

رهبر انقلاب: انتقام خواست ملت است

و حتماً انجام خواهد شد

صفحه ۲

رهبر انقلاب:

نقض عهد‌های مکرر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم نامه بی اعتباری امضای رئیس جمهور آمریکا را اثبات کرد

ملت ایران و جبهه مقاومت برای دشمن آمریکایی درس های فراموش نشدنی دارد.

صفحه ۲

«(خطا)» نیست، «(خط)» ستون پنجم است!

«انگار نه انگار که خونخواهی رهبر شهیدو سایر شهیدان ، یک خواسته ملی ، دینی و شناخته شده در پرو تکل های بین المللی است .

۷- و اما، اصلی ترین مانع دشمن که ساز و کار تبلیغاتی ستون پنجم را ناممکن و یا بسیار کم اثر می کند، ایمان آمیخته به هوشمندی و وطن دوستی مردم این مرز و بوم است. مردم ایران به برکت بر خور داری از رهبر الهی که در قول و عمل، ترجمان میانی اسلام ناب محمدی(ص) است، «نقشه راه» را می شناسند و از این روی است که برای آنها، تشخیص «سره» از «ناسره» و «آب» از «سراب» دشواری چندانی ندارد. دلیل؟! ایستادگی ۴۷ساله در مقابل عملیات روانی دشمن که با استفاده از صدها هزار رسانه به میدان آمده بود و به عنوان گویاترین نمونه که در تاریخ بشری نظیر (و نه کم نظیر) است، می توان به برانگیختگی ده ها میلیونی مردم و حضور شبانه روزی آنها در خیابان ها و میدان های سراسر کشور اشاره کرد. همین جا می توان و باید به عنوان فقط یک نمونه به دیدگاه و نظر «جان ساورز»، مدیر اسبق MIF، شاخه اطلاعات خارجی سرویس اطلاعاتی انگلیس و عضو ارشد تیم انگلیس در مذاکرات هسته ای (۵+۱) اشاره کرد. ساورز می گوید «برای ساماندهی گروه های اپوزیسیون در ایران با مشکل بزرگی روبه ر هستیم» و توضیح می دهد که؛ «مردم ایران جمهوری اسلامی را بر گرفته از مبانی اسلامی و اعتقادات دینی خود می داند و به همین علت، گروه های اپوزیسیون را دشمنان اسلام و ایران می دانند». او برای تایید نظر خود از ناکامی گروه های اپوزیسیون در طول چند دهه بعد از انقلاب شاهد مثال می آورد.

۸- و بالاخره باید به این نکته توجه داشت که شناسایی و مقابله با ستون پنجم دشمن، حتی در شرایط عادی نیز یکی از وظایف تعریف شده نیروهای اطلاعاتی و دستگاه قضائی است و بدیهی است که اهمیت و ضرورت این ماموریت در زمان جنگ بارها فراتر از شرایط عادی خواهد بود چرا که ستون پنجم بخشی از ارتش دشمن است و از مراکز اطلاعاتی و قضائی انتظار می رود که با این بخش از ابواب جمعی دشمن آن هم در زمان جنگ برخورد قاطع و پشیمان کننده داشته باشند. ساده انگاری نکنند و این «خط» را که ستون پنجم به عنوان یک ماموریت دیکته شده دنبال می کند به حساب «خطا» ننویسند و از کنار آن با بی تفاوتی عبور نکنند! خطا اگر در یک زمینه مشخص تکرار شود، نامش خطا است و نه خطا! در سابقه و کارنامه این جماعت دقت کنید! کدام موضع و عملکرد آنها را با مواضع و عملکرد و خواسته های آمریکا و رژیم صهیونیستی متفاوت می بینید؟! منبع : کیهان

ماموریت، مرام امام حسین علیه السلام را هم تحریف می کند و اصلاً به روی نامبارک خود هم نمی آورد که چرا امام حسین(ع) در اوج سختی و تنهایی به صلح با یزید تن نداد؟! ۴- در حالی که آمریکا با صراحت اعلام کرده و می کند که جنگ را با هدف براندازی جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته است و اگر موفق به براندازی «تغییر نظام –Regime change» نشود، در پی تسلیم ایران است، اعضای ستون پنجم تبلیغ می کنند که: «با همه وجود طرفدار صلح شرافتمندانه هستیم!» به بیان دیگر، «تسلیم بی شرفانه» را «صلح شرافتمندانه!» می نامند که ظاهری خیر خواهانه داشته باشد.

۵- یکی از اصلی ترین و موثر ترین اهرم های قدرت ما در مقابل تجاوز آمریکا و متحدانش، اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز و بستن این آبراهه استراتژیک است که گلوگاه تجارت جهانی است و آمریکا را به زانو در آورده است. حالا ببینید ستون پنجم در این باره چه تبلیغات دیکته شده ای را پیش می کشد؟! می گوید: «ایران نباید وارد مدیریت تنگه شود و این موضوع فقط برای کشور دردسرساز ایجاد می کند!» یعنی دقیقاً همان خواسته آمریکا را تبلیغ می کند. ستون پنجم در این حالت نیز هدف اصلی دیکته شده از سوی آمریکا یعنی نجات آمریکا از بسته شدن تنگه هرمز را در پوشش خیر خواهی برای مردم مطرح می کند و مدیریت تنگه هرمز از سوی ایران را که حق قانونی کشورمان است «دردرساز!» معرفی می کند! او نام این اقدام وطن فروشانه را، دلسوزی برای وطن جا می زند! ۶- آمریکا به وضوح دریافته است که فریاد خونخواهی آقای شهید و سایر شهدای عزیز که برای آن جایزه نیز تعیین گردیده و از آزادیخواهان همه جهان نیز برای انجام این ماموریت الهی دعوت شده است ، جدی و غیر قابل گذشت است تا آنجا که سازمان های سیا و موساد برای ترامپ و نتانیاهو و دیگر قاتلان شناسائی شده تیم های ویژه حفاظت مادام العمر تشکیل داده اند و ترامپ در سخنرانی خود به مناسبت سالگرد استقلال آمریکا برای اولین بار در تاریخ آمریکا ، پشت حفاظ شیشه ای ضد گلوله ایستاد. دشمن به خوبی می داند که خونخواهی شهیدان ترجمه دیگری از مقابله با ترور است و این که قرار است از همه توان و امکانات و اهرم ها برای قصاص قاتلان استفاده کنیم .

آمریکادر این حالت برای منصرف کردن ایران و آزادگان جهان از خونخواهی ، آن را یک مسئله شخصی معرفی می کند و نه یک خواسته عمومی ، ملی ، دینی و بازدارنده از ترور . و اینگونه است عوامل ستون پنجم قلم و زبان به سالوس می چرخانند و می گویند : «از رهبر معظم انقلاب می خواهیم از انتقام خون رهبر شهید که یک مسئله شخصی است بگذرد

■ حسین شریعتمداری

۱- «ستون پنجم –Fifth column» از چند دهه قبل و در جریان جنگ های داخلی اسپانیا، وارد فرهنگ سیاسی شده است. ژنرال فرانسیسکو فرانکو، دیکتاتور خونریز اسپانیا که بیش از سه دهه حاکم مطلق العنان این کشور بود، هنگامی که قصد حمله به مادرید و برچیدن بساط جمهوری را داشت، در نامه ای خطاب به جمهوری خواهانی که شهر مادرید را در اختیار داشتند، نوشت: «من با چهار ستون سرباز و تجهیزات از شرق و غرب و شمال و جنوب به سوی شهر در حر کتم، اما شما فقط روی این چهار ستون حساب نکنید بلکه ستون دیگری هم داریم که در داخل شهر و حتی در میان جمع شما هستند که برای ما فعالیت می کنند! آنها ستون پنجم ما هستند»(!). وقتی سپاه فرانکو به مادرید رسید، ستون پنجم از مدت ها قبل، ماموریت خود را آغاز کرده و با انتشار داستان های ساختگی و دروغ پردازی های پی در پی، خواسته های ژنرال فرانکو را بدون ذکر نام و در قالب خیر خواهی برای مردم اسپانیا تبلیغ کرده بود و این گونه بود که، دیکتاتور خونریز اسپانیا بیش از سه دهه حاکم مطلق العنان این کشور بود.

۲- ستون پنجم، با ماموریت های متفاوت به میدان فر ستاده می شود. یکی از رایج ترین ماموریت های ستون پنجم، به کام گرفتن زبان دشمن است. در این حالت، زبان و قلم ستون پنجم و مواضعی که اتخاذ و تبلیغ می کند، با خواسته های دشمن همخوانی دارد اما چگونه؟! ستون پنجم اگر خواسته های دشمن را بدون تغییر و بی کم و کاست بر زبان و قلم بیاورد، خیلی زود شناخته می شود. به همین علت، وظیفه ستون پنجم آن است که خواسته ها و اهداف دشمن را که سمت و سوی خصمانه دارد، در قالب خیر خواهی برای مردم و نظام بریزد و به آن ظاهری دوستانه و مردم پسندانه بدهد! حالا به چند نمونه از تلاش تبلیغاتی

ستون پنجم که بعد از ناکامی آمریکا ورژیم صهیونیستی در جنگ رمضان به صحنه آورده اند نگاه کنید.

۳- اعتراض می کنند و می گویند که «صلح را خیانت دانستن و صلح جویی را خلاف مرام حسین بن علی(ع) معرفی کردن به هیچ وجه

با جوهر اسلام محمدی(ص) نسبتی ندارد»! این اظهارات در حالی است که آمریکا به اعتراف تمامی صاحب نظران و به گواه آنچه به وضوح قابل دیدن است در رسیدن به اهدافی که اعلام کرده بود ناکام مانده است و اکنون با تاکید ایران بر خونخواهی، دریافت غرامت و خروج آمریکا از منطقه روبه روست و برای فرار از عواقب جنایاتی که مرتکب شده است، به ستون پنجم ماموریت صلح طلبی می دهد! ستون پنجم در انجام این

نگاه	
◂	

پایان تفاهم نامه؛

الزام به روز رسانی امنیتی

■ محمدایمانی

پس از چند روز پایمال شدن مطلق تفاهم نامه توسط ترامپ، ضرورت و فوریت دارد که شُعام دولت/آقای قالیباف، ضمن انتشار بیانیه های اعتراضی-تبیینی، صریحاً در این باره اعلام موضع کنند.منطقاً و بر مبنای اصول و تجارب و عبرت های موجود، قرار نیست آمریکاهر بار ریر میز مذاکره و توافق بزند، به زیر ساخت های پدافندی و آفندی ما حمله کند و همزمان، واسطه ها را برای مذاکره دوباره پیش بفرستد و ما هم بپذیریم و دوباره به ابتدای بازی مار و پله برگردیم.

اکنون ضرورت دارد ضمن اعتراض قاطع به عهدشکنی آمریکا و اعلام متقابل پایان توافق، گزارش جمعی در باره اینکه شروط رهبر معظم انقلاب چقدر پیگیری شده، ارائه گردد و مسیر قبلی، اصلاح و به روز رسانی شود.اعمال اقتدار نیروهای نظامی در خلیج فارس، اقدام بسیار لازم و شایسته ای است. اما این اقدام درست، قبل و بعد از تفاهم نامه انجام می گرفته است و جای موضع گیری قاطع بخش سیاسی را پُر نمی کند.بخش سیاسی مسئول مذاکرات، باید موضع صریح و روشن و به روز رسانی شده در برابر یاغیگری های آمریکا داشته باشد و همه چیز، به اینکه بخش نظامی در میدان پاسخ می دهد، محدود و م وکول نشود. به روز شدن و پویایی، خیلی مهم است. باید مسیر ایجاد خطای محاسباتی و آسیب زدن دشمن به زیر ساخت های انسانی و سیاسی را که می تواند به اتخاذ تصمیمات نادرست منتهی شود، مسدود کرد. میزان خسارت بمب های سنگر شکن به تاسیسات و شخصیت هامعمولاً آشکار است. اما اقدامات فرسایشی دشمن در زمینه رخنه و شکاف اندازی و از هم گسیختن ساز و کار های انقلابی/حاکمیتی، ممکن است مغفول بماند. شورای عالی امنیت ملی، آن جایگاه واقعی است که دیدبانی عالی امنیتی کشور در تراز انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. رهبر شهید انقلاب، ۱۴ بهمن ماه ۱۳۹۴، خطاب به شورا و دبیر خانه آن فرمودند:

”انجام صحیح نقش تصمیم سازی دبیر خانه، منوط به حاکم بودن فضای صدر صد انقلابی در این نهاد است، زیرا اگر جهت گیری های زاویه دار با انقلاب اسلامی در دبیر خانه ی شورا تأثیر گذار شود، نتیجه ی مطلوب بدست نخواهد آمد...برخی تلاش ها برای جابجایی خطوط اصلی و روشن انقلاب در جریان است... تصمیم های شورای عالی امنیت ملی باید در چار چوب خطوط اصلی انقلاب باشد، و تفکر انقلابی صحیح و خالص حزب الهی بر آن حاکم باشد از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، برخی تفکر انقلابی را قبول نداشتند و برخی هم با اینکه در داخل نظام بودند اما اعتقادی به مبارزه با استکبار نداشتند که باید در مقابل این جریان ایستاد.“

نگاه	➤

وقتی سنسور حساسیت ما به تابوها از کالیبر می افتد

■ زهرا محسنی‌فر

لا کردار کارش را خوب بلد است. شیطان را می‌گویم. چراغ خاموش و مویرگی و زیرپوستی جلو می‌رود. انگار که مورچه‌ای کوچک بخواهد روی سسنگی سیاه در دل ششی تار بخزد. کار شیطان جابجایی آستانه‌هاست، تا سنسور حساسیت آدم‌ها را روی فجایع بزرگ‌تر و بزرگ‌تر کالیبره کند. او ما را به افیون فزاینده‌ی خوش‌خیالی کاذب رضایت به وضع موجود، معتاد می‌کند تا هر بار دوز بیش‌تری از مرفین غفلت و سسکون را در قوای محر که ما تزریق کند. صغیره را از چشم ما می‌اندازد تا از انباشت صغیر ه‌ها، کبیره بسازد. خرده‌خرده به تابوها نزدیک می‌شود و تا چشم دشمنی شیطان با ما، مثل کوه ابوقبیس بزرگ است، اما به شعبده دنیازدگی، آن را در چشم‌مان مثل تخت بلقیس بزرگ می‌کند. میخ‌ اهتین در سنگ نمی‌رود، اما شیطان دار کوب‌وار به درخت ادراک ما ضربه می‌زند تا مغزمان را بخورد و از تدبیر تهی کند.

و امروز، شیطان بزرگ دارد آستانه‌ی حساسیت ما را در «جنوب» جابجایی کند و از کالیبر می‌اندازد، تادر برابر فجایع بزرگ، بی‌حس شویم و آن را عادی‌انگاری کنیم. نمی‌بینی انباشت «پرتابه‌های» کوچک در «حومه شهرها»، تابوی تعرض به خاک را در ذهن‌مان صغیره کرده و مرگ هزار چاقورادر نگاهمان با تزریق پی‌درپی افیون تن‌دادن به وضع موجود، از یاد بر ده. بله نیروی نظامی ما شجاعانه عملیات می‌کند، اما انگار کشور هنوز آرایش جنگی به خود نگرفته. هنوز در شناخت صحنه نبرد، گیجیم و در تردید دوگانه مذاکره و جنگ، دست و پامی‌زنیم. آمریکا دارد مثل سرطان، آهسته و پیوسته بافت‌های پیرامونی ایران را تخریب می‌کند، تا از خاک دامن‌گیر جنوب، زمین سوخته بسازد و با تخریب پل‌های مواصلاتی، برای خودش پلی به سوی عملیات زمینی بزند. اگر کار از کار بگذرد، در این جنگ نامتقارن، دیگر چشم در مقابل چشم کار نمی‌کند و راه چاره، سسر در مقابل چشم می‌شود. و او ی بر آنها که هنوز هم که هنوز است با جمیل غرب‌زدگی، کوه‌ابوقبیس دشمنی آمریکا را در چشم ما چون تخت بلقیس بزرگ می‌کنند. و به راه‌است هدایت ش‌وند آنها که دفع شُر شیطان را در تعامل با او جستجو می‌کنند، نه در تقابل با او.

رهبر انقلاب:

نقض عهد‌های مکرر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم نامه

بی‌اعتباری امضای رئیس جمهور آمریکا را اثبات کرد

در هر سه قوّه که تلاش ایشان برای رفاه و سعادت ملّت، مشهود می‌باشد، همچنان برای تضمین صیانت از منافع ایران اسلامی، هوشیار و فعال در میدان خواهد بود. ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی، انتقاداتی نسبت به عملکرد بعضی از مسئولین داشته باشند. به نظر بنده، در عین اینکه این اتهام و نگرانی ایشان برای نظام همچون اشخاص خودشان، سرمایه‌ ارزشمندی بشمار می‌آید و فی‌نفسه امری مطلوب قلمداد می‌شود، این عزیزان که بعضی از ایشان از زمره پیشروان بصیرت هستند باید مراقب باشند تا این رویکرد، اوّلاً ظلمی را بر بی‌گناهی روا ندارد که آن خود منشأ محرومیت از برکات و عنایات می‌گردد. و ثانیاً موجب شکست در وحدت و انسجام اجتماعی نگردد؛ که با حفظ این جهات، انتقادها موجب رونق و شکوفایی امور خواهد شد. دشمن نباید هیچ علامت ضعفی را از جمله این‌س ضعف را از مادر یافت کند؛ که هرگاه ما این مراقبت‌ها را به طور کامل مراعات نماییم، او به ناچار رو به هزیمت خواهد گزارد.

بار دیگر از یکایک مردم عزیز که خود، صاحب‌عزای پدر شهید اّمّت هستند و با وجود دشواری‌ها و برخی محدودیت‌ها و ناملایمات در رویداد عظیم بدرقه آقای شهید ایران، حماسه‌ای تاریخی خلق کردند صمیمانه قدردانی می‌کنم.

همچنین از مراجع معرّز تقلید، علما، اندیشمندان و نجبگان، فعالان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و از اقدامات و تلاش‌های نهادهای کشوری و لشکری و نیز حضور مقامات و نمایندگان جبهه سرافراز مقاومت و نهضت‌های پرافتخار اسلامی تشکر می‌کنم، امیداست همه کسانی که در این حماسه تاریخی به هر نحوی حضور و همراهی و همدلی داشته‌اند، مشمول عنایت و دعای خاص سرورمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف باشند.

سید مجتبی حسینی خامنه‌ای

۲۶/تیر/۱۴۰۵

نگاه	➤

مهم‌ترین بخش‌های پیام رهبر انقلاب

■ **داود مدرسیان**

اصل پیام: اعلام نقض تفاهم‌نامه توسط آمریکا و آمادگی ملت ایران و جبهه مقاومت برای دفاع:

«نقض عهد‌های مکرّر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکا بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس‌جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگوئی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزاء لاینفک مرام و مسلک امریکایی می‌باشد.»

باید‌ها و نباید‌های ادامه مسیر:

۱- اصرار بر وحدت کلمه و ##تحد_مقدس در همه سطوح و همه عرصه‌ها:

از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدّس در همه‌ی سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقّق ارمان‌های بلندانقلاب اسلامی و تأمین عزّت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایتکار و حيله‌گر امریکایی است.»

۲-نقش مسئولان و عناصر دلسوز انقلاب در حفظ انسجام کشور: «همانگونه که پیش از این مکرّر و مؤکّداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی وظیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته‌ی انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حسّاس‌تر است.»

۲-تداوم حضور میدانی مردم، ضمن اعتماد به مسئولان دلسوز: «ملّت عزیز، با تداوم بر اعتماد به مسئولان دلسوز در هر سه قوّه که تلاش ایشان برای رفاه و سعادت ملّت، مشهود می‌باشد، همچنان برای تضمین صیانت از منافع ایران اسلامی، هوشیار و فعال در میدان خواهد بود.»

۴-نگرانی منتقدین برای نظام، مطلوب است/ برخی منتقدین در زمره پیشروان بصیرت هستند!انتقاد موجب رونق و شکوفایی است البته با حفظ جهات عدم ظلم بر بی‌گناه و حفظ وحدت: «ممکن است کسانی با اخلاص تمام و از سر خیرخواهی، انتقاداتی نسبت به عملکرد بعضی از مسئولین داشته باشند. به نظر بنده، در عین اینکه این اتهام و نگرانی ایشان برای نظام همچون اشخاص خودشان، سرمایه‌ی ارزشمندی بشمار می‌آید و فی‌نفسه امری مطلوب قلمداد می‌شود، این عزیزان که بعضی از ایشان از زمره‌ی پیشروان بصیرت هستند باید مراقب باشند تا این رویکرد اوّلاً ظلمی را بر بی‌گناهی روا ندارد که آن خود منشأ محرومیت از برکات و عنایات می‌گردد. و ثانیاً موجب شکست در وحدت و انسجام اجتماعی نگردد؛ که با حفظ این جهات، انتقادها موجب رونق و شکوفایی امور خواهد شد.»

۵- عدم پالس ضعف به دشمن:

«دشمن نباید هیچ علامت ضعفی و از جمله این ضعف را از ما دریافت کند؛ که هرگاه ما این مراقبت‌ها را به طور کامل مراعات نماییم، او به ناچار رو به هزیمت خواهد گزارد.»



روز‌ها نمونه‌هایی از آن را نشان داده است.

لازم است به شما مردم باوفا و سرافراز ایران عرض شود که از جمله اصولی‌ترین امور در این برهه، اصرار بر وحدت کلمه و اتحاد مقدّس در همه سطوح مردم و مسئولان و در تمام عرصه‌ها برای تحقّق ارمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تأمین عزّت و استقلال ایران عزیز خصوصاً در برابر دشمن جنایتکار و حيله‌گر امریکایی است. همان گونه که پیش از این مکرّر و مؤکّداً تذکر داده شد، صیانت از وحدت و پرهیز از تفرقه و تنازع، اختلافات سیاسی و برجسته کردن تفاوت‌های اجتماعی وظیفه‌ی همگانی است و البته نقش مسئولان و عناصر دلسوز و دلباخته انقلاب و امام و رهبر شهید در انسجام و یکپارچگی کشور، مهم‌تر و حسّاس‌تر است.

بر این اساس ملّت عزیز، با تداوم بر اعتماد به مسئولان دلسوز

رهبر انقلاب: انتقام خواست ملّت است و حتماً انجام خواهد شد

هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.

ای پدر شهید!مّت، نوشیدن شهد شهادت که عمری در آرزوی آن بودید، گوارایتان باد. پوشیدن خلعت شهادت با بدنی که نشان‌ها از مادر تان زهرای اطهر و جدّتان ابا عبدالله الحسین و اباالفضل العباس علیهم الصلاّه و السّلام دارد، مبارکتان باشد. و شما‌ی همراهان مظلوم او که غافلگیرانه مورد هجوم دشمن قرار گرفتید و به شهادت رسیدید، خوشا به‌حالتان که اینک میهمان آن مولائی هستید که شاید بارها رفت و لطفشان را درک کرده بودید. آن آقای که باب رحمت الهی برای همه و بخصوص مردمان این سرزمین هستند، اینک میزبان شمایند و جوار امن‌شان خانه شما شده است.

و شما‌ی سرور عالی‌مقام‌ای بزرگوار! ای امام روثفا! ای اباالحسن الرضا المرتضی که برترین صلوات خدا بر شما باد، اکنون جسمِ پاره پاره خادمی از خادمین حضرتان و عترت طاهره، پس از سال‌ها جدّ و جهد و مجاهدت بی‌وقفه به همراه ابدان شهیدایی از خانواده‌اش که هر یک یادآور شهیدیی از شهیدان دشت کربلاست، در این خاک پاک می‌آرمند تا آن روزی که به امر الهی، خورشید عالم تاب، حضرت بقیه‌الله عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف، از پس ابرهای غیبت بیرون آید و بر مردمان کره خاکی، نور رحمت الهی را بتاباند که در آن روز که امید داریم خیلی زود برسد، ستارگانی از میان صدّیقین و شهدا و اولیاء، آن حضرت را همراهی خواهند کرد و امید داریم که آقای شهیدمان یکی از آنان باشد و بار دیگر صحنه‌هایی در رخشان و ناب از مجاهدت و وفای به عهد.

ذهن خویش راه ندهد، اما همچنان که در پیام ۲۵ تیرماه ۱۳۶۷ حضرت امام به جلسه روّسای قوا ذکر شده بود، مجموعه شرایط پیش آمده باعث گردید که همان قطعه‌نامه نیم بند ۵۹۸ را بپذیرند.

پس از گذشت ۳۷ سال از آن پیام مهم و استراتژیک، جانشین به حق آن امام بزرگوار، حضرت آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای در اوج درگیری با دو قدرت اتمی دنیا و پس از به شهادت رسیدن برخی از مهم‌ترین و شجاع‌ترین فرماندهان نظامی و همچنین دانشمندان متعهد و سایر مردم، فرمودند:

«...رژیم صهیونیستی اشتباه بزرگی کرد، خطای بزرگی کرد، غلطی کرد و عواقب آن، او را بیچاره خواهد کرد، به توفیق الهی. ملت ایران از خون شهدای گران قدر نخواهد گذشت، از تجاوز به آسمان کشورش صرف‌نظر نخواهد کرد...»گویی این بیانات رهبر شهید انقلاب در ادامه همان پیام ۲۷ سال پیش حضرت امام خمینی رحمه الله علیه بود. همچنان که انگار این پیام امام، همواره فرا راه انقلاب و نظام اسلامی قرار دارد که در مقابل وسوسه خناسان به تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷، نوشتند:

«...مادر جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند. نباید برای رضایت چند لیبرال خودفروخته در اظهار نظر‌ها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند...».

ملت ایران و جبهه مقاومت برای دشمن آمریکایی درس‌های فراموش نشدنی دارد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب درباره حماسه عظیم بدرقه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور پیام مهمی صادر کردند.

متن این پیام به شرح ذیل است:

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

ملّت عظیم‌الشّأن و شگفتی‌ساز ایران!

سلام و درود و سپاس بر شما که با حماسه بی‌ نظیر و تاریخی خود در رستخیزی بی‌سابقه بدرقه آقای شهید ایران، نصاب تازه‌ای از جلوه‌بعثت و اراده مستحکم هویت اسلامی – ایرانی را در قدر شناسی، وفاداری، بصیرت، و ابراز محبّت فوق‌العاده به زعیّم اّمّت اسلامی و رهبر شهید انقلاب ثابت کردید. گرمای دل‌های دگدخته، چشمان اشکبار و عزم‌های استوار جمعیت ده‌ها میلیونی و ده‌ها کیلومتری در تهران، قم، مشهد، و سایر شهرها و روستاها، دوستان ملّت ایران و مردم آزاده جهان را به تحسین و دشمنان مستکبر ملّت ایران را به حیرت و سرگردانی و خشم و وحشت انداخت.

همزمان با این حماسه، نقض عهد‌های مکرّر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس‌جمهوران ایران و آمریکابار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس‌جمهور آمریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگوئی، تمامیت‌خواهی و وحشی‌گری، اجزاء لاینفک مرام و مسلک امریکایی می‌باشد. امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغگوئی، غیرمنطقی و غیرقابل اعتماد و پلید بودن آمریکا باشد. اکنون که دشمن آمریکایی به دنبال جنگ‌افروزی و تحقّل هزینه‌های سنگین‌تر و بی‌آبرویی بیش‌تر است، بداند که ملّت عزیز ایران و جبهه مقاومت، درس‌های فراموش‌نشدنی برای او دارد که رشادت‌های رزمندگان اسلام و غیرت مردمان شجاع خطه جنوب در این

رهبر انقلاب: انتقام خواست ملّت است و حتماً انجام خواهد شد

شور حسینی، ملّت ما را باعث بخشیده و مکتب خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید را جلوه‌ای تازه داده است. این است آن غوغای حیات‌بخشی که انعکاس ندای مظلومیت حسین علیه‌السّلام و ندای هل من ناصر ینصرّنی او در ایران و پس از آن در عراق و سایر کشورها به پامی‌کند و زلزله در باطل می‌اندازد. و جاد دارد به همین مناسبت از حضور ده‌ها میلیونی، اعجاب‌برانگیز، دشمن‌شکن و تاریخی مردم در شهرها و روستاهای ایران و عراق خصوصاً تهران، قم، نجف، کربلا، و مشهد صمیمانه قدردانی کنم. ملت ما خونخواه حسین است. این ملّت بزرگ سال‌ها فرزندان خود را در راه حسین و در جنگ با دشمنان حسین و مرام حسینی فدا کرد. و اینک هم خونخواه او و حسینیان زمان است.

اکنون به پیشوای شهیدمان عرض می‌کنم: ای قاتل مظلوم‌ای مظلوم سرافراز! ای بنده صالح خدا! حال که با چشمان اشکبار و دل‌های شکسته با پیکر شما وداع می‌کنیم، با شما عهد می‌بندیم که مکتب شما را پاس بداریم و آن طریق مستقیمیه که شما ترسیم کردید را با استقامت بپیماییم و در این راه از سختی‌ها نهراسیم، و همچون شما به‌بشارت و وعده‌های الهی دل ببندیم. عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملّت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد. آنها باید بدانند که این امر، متوقّف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقّق خواهد شد و بزودی آزادی از آزادگان در سراسر دنیا

سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از مواضع اصولی عدول نخواهیم کرد

اسلامی ایران پذیرفته شد. قطعنامه فوق حدود یک سال قبل از سوی شورای امنیت صادر شده بود.

این در شرایطی بود در طی یک سال از صدور قطعنامه ۵۹۸ تا پذیرش آن از سوی ایران، جبهه متحد استکبار با تمام قوا وارد میدان گردید تا جمهوری اسلامی را وادار به تسلیم نماید. حضرت امام در میانه این خیل تهدیدات علنی و عملی دشمن غذّار و نوکران منطقه‌ای او، برای حفظ جان مسلمین و مصلحت نظام و کشور و انقلاب و خصوصاً وقتی مسئولین دولتی امار ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی کشور در مقابل ایشان گذاردند (آمارهایی که تنها بخشی از پتانسیل و استعداد قابل کشور را شامل می‌گردید!) با بذل آبروی گرانقدر خویش، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفتند.

این در حالی‌بود که تنها یک ماه بعد، با عهدشکنی صدام در مورد آتش‌بس و هجوم ارتش او و منافقین از دو جبهه جنوبی و غربی، سیل حضور مردم به جبهه‌ها سرازیر شد که از هر محاسبه‌ای خارج بود و با همان امکانات در مقابل دو ارتش تا دندان مسلح ایستادند و آنها را با دلت و خواری از کشور بیرون کردند.

اگر چه خواست امام و مردم و اغلب مسئولان کشور این نبود می‌خواستند با تنبیه متجاوز درسی تاریخی به او بدهند تا دیگر نه تنها او بلکه هیچ نیروی متجاوز دیگری جرأت تجاوز و تعرض به خاک ایران را حتی به

«... قطعنامه را هم که امام قبول کرد، به‌خاطر این فشارها نبود. قبول قطعنامه از طرف امام، به‌خاطر فهرست مشکلاتی بود که مسئولین آن روز امور اقتصادی کشور مقابل روی او گذاشتند و نشان دادند که کشور نمی‌کشد و نمی‌تواند جنگ را با این همه هزینه، ادامه دهد. امام مجبور شد و قطعنامه را پذیرفت. پذیرش قطعنامه، به‌خاطر ترس نبود؛ به‌خاطر هجوم دشمن نبود؛ به‌خاطر تهدید آمریکا نبود؛ به‌خاطر این نبود که آمریکا ممکن است در امر جنگ دخالت کند. چون آمریکا قبل از آن هم در امر جنگ دخالت می‌کرد. وانگهی اگر همه دنیا در امر جنگ دخالت می‌کردند، امام رضوان الله علیه، کسی نبود که رو برگرداند. بر نمی‌گشت! آن، یک مسئله داخلی بود؛ مسئله دیگری بود. در تمام عمر ده ساله حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه، پس از پیروزی انقلاب، یک لحظه اتّفاق نیفتاد که او به‌خاطر سنگینی بار تهدید دشمن، در هر بعدی از ابعاد، دچار تردید شود. این، یعنی همان برخورداری از روحیه حسینی...»

این جملات بخشی از بیانات امام شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای در اجتماع پرشکوه زائران مرقد امام خمینی(ره) به تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۷۵ و در سالگرد رحلت آن امام راحل بود. در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷، قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل درباره پایان دادن به جنگ ایران و عراق به‌طور رسمی توسط دولت جمهوری

نقد سیاست محمد علی فروغی

منصور کیانی



خود را در خزانه ملی فرو برد و تا توانست ریخت و پاش کرد. مخصوصاً زمانی که شنید کمال آ تا ترک نیز شاهنامه را شناسنامه و هویت ملی ایرانیان دانسته و اظهار تاسف نموده که چرا ترکیه شاهنامه ای ندارد تا ترکیه کشوری بی بته و بی حسب و نسب بحساب نیاید! ذبیح الله صفا می گوید:

«مصطفی کمال اتاترک رئیس جمهور انقلابی ترکیه به مرحوم فروغی گفته است: شما ایرانی ها قدر ملیت خود را نمی شناسید و معنی آنرا نمی فهمید که ریشه داشتن چه نعمت عظیمی است و عظمت شاهنامه را در نمی یابید که این کتاب سَند مالکیت و ملیّت و ورقه هویت شما است من ناگزیرم برای ملت ترک چنین سوابقی را دست و پا کنم» (۳)

اصلا فروغی برای ایران بعد از اسلام حیات سیاسی مذهبی و تمدنی قائل نبود و ارکان تمدن و مدنیت را خاص ایران باستان دانسته است حبیب یغمایی می گوید: «فروغی معتقد است کورش سلطنت ایران، داریوش سیاست ایران؛ اردشیر بابکان دولت ایران و زرتشت مذهب ایران و فردوسی ملت ایران را احیا کرد» (۴)

بالاخره فروغی طی ده سالی که نخست وزیر رضا خان بود تنها ماموریت خود را اسلام زدایی و شیعه ستیزی و باستانگرایی قرار داد و در این مقوله زیاده روی می کرد تا جایی که بقول جلال آل احمد سر قرص اسپرین هم نقش کوروش را می کشیدند. او می گوید: «چاره کار ایران که بین تشیع و کمونیسم در منگنه است یک نوع ایدالوژی شاهانه وطن پرستی بر های و هوی و مطمئطن اماخته و پوچ و بی ضرر؛ این چنین بود که به انگیزه تقابل با اسلام؛ ضحاک و فریدون و رستم و اسفندیار و کوروش و داریوش را به میان آورد؛! کار به جایی کشید که ملت ایران حتی قرص آسپرین بایر رانیز بالعاب کوروش و داریوش فرو می برد» (۵)

گمان نکنی جلال وقتی محمد علیخان فروغی و رضاخان را «وطن پرستان اخته» گفته درشتی و تند ی کرده حاشا

در دوره صدارت همین دو نفر کل ایران را به روس و انگلیس دادند تنها چیزی که گرفتند آسمان نامه برای خود و خانواده شان بود و السلام. ادعای ایران دوستی و باستان گرایی از لقه لقه زبان رضا خان و نخست وزیرش فراتر نرفت که نرفت.

اینک و در بحبوحه جنگ محمد قوچانی و دوستانش کار نیمه تمام فروغی در «وطن دوستی منهای اسلام» را باز آفرینی می نمایند.

- مطهری/ مجموعه ج ۲۵/ ص ۵۱۳
- نهج البلاغه/ نامه ۲۷
- تاریخ ادبیات ایران/ صفا/ ج ۲ ص ۳۲۸
- مقالات فروغی در باره فردوسی / ص ۱۳۰
- جلال آل احمد/ در خدمت و خیانت روشنفکران

وطن پرستان اخته

همیشه همین طور بوده در جامعه بشری عده ای از مردم گندم نمای جو فروشند یا کاسه ای زیر نیم کاسه دارند خلاصه آن طور که می نمایند نیستند! جالب است هیچ حیوانی منافق نمی شود. نفاق از مختصات جامعه ما انسانهاست؛ شاید علت العلل انحطاط جامعه هم همین نفاق باشد. «یکی از فلاسفه غرب بنام هابز انگلیسی می گوید: چرا حیوانات اجتماعی) مانند مورچه ها) موفق هستند ولی اجتماع انسانی رو به فساد است؟ سپس خود جواب داده و می گوید: کمال آدمی به زبان است؛ و همین کمال موجب بدبختی او نیز می باشد چون) با زبان) قدرت قلب حقایق را دارد.» (۱)
بسا این توصیف؛ اگر محمد علی فروغی نفاق را کنار گذاشته و راست و حسینی می گفت؛ من یهودی زاده و اصلتا عراقی هستم و عضو ارشد سازمان فراماسونری می باشم و به کشور انگلیس تعهد داده ام تا از منافع آنان دفاع کنم؛ می توانست ۵۰ سال بر پست های عالی کشوری مسلمان مثل ایران تکیه بزند؟ هرگز.

پیامبر خدا از امثال فروغی می ترسید که فرمود: اِنِّی لَا اُخَافُ عَلٰی اَمَّتِیْ مُؤْمِنَا وْ لَا مُشْرِکَا... وَ لَکِنِّیْ اُخَافُ عَلَیْکُمْ کُلَّ مُتَافِقٍ الْجَنَانِ عَالِمِ النَّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْرِفُوْنَ وَ یَعْمَلُ مَا تُکْذِرُوْنَ. (۲)

من بر امتم نه از مومن هراسانم و نه از مشرک ترسان؛ لیکن من بر شما از مرد چرب زبان منافق می ترسم او چیزی را می گوید که نیکو می شمارید و کاری می کند که آنرا ناپسند می دارید.
دقیقا فروغی همین بود او بوسیله چرب زبانی و نفاق توانست ۵۰ سال بر سریر حکمرانی ایران تکیه زند تازه بعد از یک قرن محمد قوچانی عضو ارشد حزب کارگزاران و سر دبیر «مجله گاهی نو» او را بعنوان منجی وطن معرفی می کند. از عجایب روزگار اینکه این یهودی زاده عرب تبار بیش از ما ایرانیان به ایران باستان عشق می ورزد!! او اولین کسی است که بمب ایران پرستی افراطی را منفجر نمود و تمام فضائل ایرانیان را به ما قیل اسلام بر می گرداند؛ تنها دانشمند مسلمانی که استثنائا از او با عظمت یاد می کند فردوسی است؛ و تنها کتابی که چشمش او را خیره کرده بود شاهنامه است! به این جهت کنگره بین المللی هزاره فردوسی را در سال ۱۳۱۳ در تهران و مشهد بر پا نمود. و برای تبلیغ و ترویج فردوسی و شاهنامه و باستانگرایی دست سخاوتمند

فردوسی موحدی متعصب

گفتیم فروغی زمانی که در اس کابینه رضا شاه بود خیز بزرگی برداشته و اراده نمود تا ماهیت فرهنگی کشور را دگرگون سازد. با وجودی که از فردوسی چندان دلخوشی نداشت؛ ناچار دست به دامن او شده مگر به یمن قسه های شاهنامه فرهنگ ایران قبل از اسلام را پیاده سازد. اینجا نیاز بود که فردوسی پر آوازه را پیرو مکاتب ثنوی آدوگانه پرستی آ ایران قبل از اسلام معرفی کند. البته او در این مقطع گروهی از اندیشمندان را به استخدام در آورد؛ از جمله آنها ذبیح الله صفا است. صفا با یک مغالطه آشکار فردوسی را آتش پرست و مسلمانان را بخاطر قبیله و نماز گزاردن به سوی کعبه خاک پرست می داند و می گوید: «فردوسی آتش را که فروغ ایزدی است. قبله ایرانیان معرفی می نماید؛ و خاک را که نژد و پست می خواند، قبله تازیان(اعراب مسلمان) می نامد.» (۱) البته ذبیح الله صفا تا زمانی فردوسی را زرتشتی ماب میدانست که رضا شاه هنوز بر سریر عزت بود همینکه رضا شاه به حیض ذلت و نکیت افتاد و به آفریقا تبعید شد او هم نظرش عوض شده و فردوسی را موحد و شیعه دانسته ضمن عذر خواهی می نویسد: «... من در آغاز کار به چنین خطایی دچار بودم. ولی تحقیقات اخیر بر من ثابت کرده است که ... عقیده دینی فردوسی را تنها در آن موارد می توان شناخت که از مذهب خود تشیع سخن می گوید» (۲)

باورهای فردوسی مانند دیگر اندیشمندان در گفتار و آثار او هویدا است همانطوری که «از کوزه همان برون تراود که در اوست»

پس فردوسی را باید از آثار او شناخت؛ و او زمانی که به ادیان ایران باستان نظر کرده و می بیند زرتشتیان و مزدکیان و مانویان به دو خدای (یزدان و اهرمن) ایمان دارند؛ آنها را از خرد و خردمندی دور دانسته و قاطعانه اندیشه و باورهای آنان را رد نموده و می گوید: محال است در هستی دو خدا وجود داشته باشد همان طور که در یک اقلیم دو پادشاه نه گنجد: ببینید:

خردمند گوید که در یک سرای / چو فرمان دو گردد نماند به جای...

... همان چون به یک شهر دو کدخدای / بود، بوم ایشان نماند به جای
دقیقا سخن فردوسی، ترجمان این آیه کریمه است «لَوْ کَانَ فِیْهِمَا

تخریب فرهنگ ملت عریق و ریشه دار ایران کار رضا خان ناشی نیست؛ کار کاردانی است.

امام خامنه ای شهید در مورد تغییر لباس در آن دوره می فرماید: «شما ببینید چقدر رسواست که یک پادشاهی یک باره لباس ملی یک کشور را عوض کند! شما به اقصی نقاط دنیا مثل هند تشریف ببرید می بینید؛ ملت ها لباس ملی خود را دارند و به آن افتخار هم می کنند؛ ولی آن ها آمدند یک باره لباس ملی این ملت را ممنوع کردند!! چرا؟!...» (۳)

فروغی به تغییر لباس ملی ایرانیان بسنده نکرد؛ فلسفه و تاریخ و ادبیات فارسی را نیز به نفع انگلیس تخریب نمود.

راستی چطور ممکن است ۶ پادشاه بمیرند و سلسله قاجار بر افتد و ده ها بار دولت سقوط بکند ولی تنها فرد ثابت کابینه ها محمد علی فروغی باشد؟! راز و رمز این مسئله چیه که دولت ها هر طور سقوط کنند باز فروغی مثل گربه مرتضی علی چار دست و پا می افتد وسط کابینه جدید؟!

شاید راز ماندگاری فروغی در صدر امور ایران طی ۵۰ سال این دو دلیل باشد.

اولا. محمد علی فروغی و پدرش از اعضای برجسته فراماسونری بودند؛ بلکه خود محمد علی فروغی استاد اعظم فراموشخانه و «موسس لز بیداری» است؛ البته فرانسه و انگلیس از فراماسونها حمایت می کردند.
ثانیا. طبق گفته صاحب تاریخ بیست ساله؛ محمد علی فروغی پسر محمد حسین و او پسر محمدی ارباب اصفهانی است که «جداعلای این خانواده اصلا از یهودیان بغداد بوده برای تجارت به ایران آمده پس از سکونت در اصفهان مسلمان می شوند» (۴) یعنی به دو سه واسطه محمد علی فروغی و غی یهودی زاده بود.

قدر یقین فروغی ماسونی بوده است؛ اما در مورد مذهب و ملیتش «العهد علی الراوی».

- تاریخ بیست ساله ایران. ج ۴ ص ۱۸
- مصاحبه امام شهید خامنه ای. ۱۳۶۳
- بیانات امام شهید در ۲۱ مرداد ۱۳۷۱/
- حسین مکی . تاریخ بیست ساله ایران. ج ۴ ص ۱۸

فروغی و بولدورزش!

در حین شبیخون کفره یهود و فجره صلیبی علیه جمهوری مظلوم اسلامی «محمد قوچانی» عضو ارشد حزب کارگزاران؛ سر دبیر سابق روزنامه شرق و سر دبیر فعلی مجله «گاهی نو» که ده ها سال از حقوق و رانت همه جانبه این نظام ار تراق کرده و صاحب نام و جاهی شده است دفعتا فیلش یاد هندوستان کرده مدعی است ناجی و منجی ایران الا و لایذ کسی مثل «محمد علی فروغی» است!.

محمد قوچانی طی مقالاتی در مجله گاهی نو بنام «منجی وطن» ضمن تمجید و تکریم فروغی راه او را سرمشق ایرانی شهری و وطن خواهی می داند!

حсал باید دید محمد علی فروغی چه زمانی و در کجا ایران را نجات داده است.

محمد علی خان فروغی فرزند محمد حسین ذکاء الملک متخلص به «فروغی» متولد ۱۲۵۶ شمسی است. او اقلا ۳۰ سال از عمر ۶۷ ساله خود را در دربار سلاطین قاجار گذرانده است؛ و تتمه ۱۷ سال آخر عمرش نیز در خدمت رضاشاه و پسرش سپهری شد. او در سال ۱۳۲۱ در کسوت «وزیر دربار» محمد رضا پهلوی بود که مرگش فرا رسید.

فروغی به جز وکالت و ریاست مجلس شورای ملی در زمان قاجار؛ ۲۲ بار نیز وزیر یا نخست وزیر بوده است.

«سید حسین مکی» مورخ و سیاستمدار کهنه کار می نویسد: «فروغی در مدت عمر اداری خود ۵ بار وزیر خارجه و ۴ بار وزیر دارایی و ۳ بار وزیر دادگستری و ۴ بار وزیر جنگ؛ یک بار وزیر اقتصاد ملی و یک بار وزیر دربار و ۴ بار نخست وزیر بوده است.» (۱) با وجودی که فروغی ۳۰ سال در کابینه چهار تن از پادشاهان قاجار خدمت کرده بود و تیغ و دشنه آنها را تیز می نمود اما؛ هیچگاه مجالی پیدا نکرد تا تمام اهداف خود را پیاده کند مگر در دوره ۱۰ ساله نخست وزیری رضا خان.

فروغی را بعنوان عقل منصل و مرکز هوش مصنوعی رضاشاه می شناسند؛ او توانست از یک نظامی بیسواد قزاق یک بولدز D9 درست کند و با کنترل از راه دور آن را به جان باورهای ملی و مذهبی مردم بیندازد. عین کاری که صهیونیست ها با غزه کر کردند. از من نادیده بگیرید؛ از امام شهید بشنوید که رضاخان را عین یک بولدوز تخریبچی علیه فرهنگ ایرانی اسلامی دانسته و می فرماید: «تهاجم فرهنگی علیه ملت ما مشخصا از دوران رضا خان شروع شد البته قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود. کسی در آن روز بزرگترین قدم را به نفع فرهنگ غرب و در حقیقت به نفع سلطه انگلیس در ایران برداشت رضا خان بود... رضا خان در این مملکت مثل یک بولدوزر بود؛ رضاخان تمام زیبایی ها و ظرافت هارایی محابا خراب می کرد.» (۲)

بله «چودزی با چراغ آید/ گزیده تر بُرد کا لا» قطعا سواد رضا خان که یک قزاق مکتب ندیده ای بود قد نمی دهد که ظرف مدت محدودی از کشف حجاب بانوان و تغییر لباس مردان و کلاه پهلوی و ممنوعیت ذکر امام حسین تا تاسیس فرهنگستانی برای حذف واژه های اسلامی و تغییر حقوق و قضای اسلامی به حقوق فرانسوی ... را عملی سازد.

فردوسی شاه ستاست یا شاه ستیز

مصطفی کمال پاشا از افسران عالی رتبه ارتش ترک برای اینکه بتواند ترکیه را وارادارد وگاه فرنگ نماید؛ دست به اصلاحات خونینی زد؛ او به ضرب تیغ و درفش توانست نظام سیاسی کشورش را تغییر دهد. مگر چه این تغییر جنسیت نظام ترکیه از اسلامی به لائیک مقبول اروپائیان نیفتاد و داغ ورود به اردوگاه اروپا بر دل رهبران ترکیه ماند؛ اما سیاست کمال پاشا سرمشقی برای رضاشاه ایران و امان الله خان افغان شد و آن دونیز برای آستان بوسی فرنگیان دست به تخریب همه جانبه مبانی مذهبی و مفاخر ملی خود زدند ولی آستان استعمارگران اروپایی بسی بالاتر از همت شاه ایران و افغانستان بود. به هر حال فروغی رئیس دولت رضا خان شاهنامه فردوسی را بهترین پل گذار از اسلام به لائیسیته و لا مذهبی می دید! حالا اگر از فروغی و تیم او می پرسیدیم که از شاهنامه چه می خواهید؟ می گویند: شهنامه باید بتواند مردم را از اطاعت خدا به اطاعت شاه در آورد. او در کنگره هزاره فردوسی اندکی از نیت خود را آشکار نموده و می گوید: «اوقاتی که به خواندن شاهنامه بگذرانی هدر نمی رود وطن خواهی و شاه پرستی و ایران دوستی نتایج ضروری است که برای هر کس از خواندن شاهنامه حاصل می گردد.» (۱)

ذبیح الله صفا از شاگردان فروغی و مبلغان شاهنامه گر چه شاه پرستی را اعلان نمود ولی این را باور داشت که؛ خدا زیبا تر از شاهان و شاهزادگان مخلوقی ندارد. او می گوید «پادشاهان و اخلاف و اسباط آنان زیباترین مخلوق الهی هستند...

با شاه فر الهی و فر کیانی همراه است.» (۲)

صفا دید هنوز حق رضا شاه را ادا نکرده بر غلظت تملق و چاپلوسی خود افزوده و می گوید: «پادشاه فرمانروای مطلق است و سر پیچی از او امر او با بزرگترین گناهان برابر باشد...» پس از اینکه معصیت از شاه را ذنب لایغفر دانسته؛ فتوای شرعی صادر می کند که؛ هر کسی چپ به شاه و شازده ها نگاه کند بی شک خونش هدر است!!

«انتقام خون شاهان و شاهزادگان نیز بر ایرانیان فرض و واجب است.» (۳) حالا که اندکی با مزاج و افکار اطرافیان شاهنشاه آریامهر آشنا شدیدی؛ ببینیم خود فردوسی در شاهنامه شاهان را چگونه می دیده است. فردوسی

